

آن بره که نوبرهای غلبه کننده او را دنبال می کنند

خواندن متون مقدس: مکاشفه ۱۴: ۱-۵؛

پیدایش ۵: ۲۲-۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶؛ متى ۲۴: ۴۵-۵۱

۱. مکاشفه ۱۴: ۱-۵ مسیح را به عنوان آن بره که نوبرهای غلبه کننده او را دنبال می کنند، آشکار می کند:

آ. نوبرها، غلبه کنندگان زنده هستند که اولین رسیده ها در مزرعه خدا خواهند بود. از این جهت، آنها قبل از برداشت محصول، به عنوان نوبرها، برای خدا و بره درو خواهند شد:

۱. نوبرها به کوه آسمانی صهیون، به مکان سکونت خدا در آسمان سوم، بالا برده خواهند شد تا در حضور خدا و مسیح باشند.

۲. معنای ربایش، برگرفته شدن به حضور خداوند است. برای اینکه به حضور خداوند برده شویم، باید امروز در حضور او باشیم - لوقا ۲۱: ۳۶؛ ۲ قرنتیان ۲: ۱۰؛ هوشع ۶: ۲؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۸؛ اعمال ۲۶: ۱۶.

۳. ربایش، برای شکست دادن دشمن و راضی کردن خداست؛ خداوند به مرد-فرزند جهت مبارزه با دشمن او نیاز دارد، ولی او برای رضایت و مسرت خود، به نوبرها حتی بیشتر نیاز دارد - مکاشفه ۱۲: ۵؛ ۱۴: ۱، ۴ ب.

ب. کتاب مقدس دو جنبه از ربایش را آشکار می کند: ربایش غلبه کنندگان قبل از مصیبت عظیم و ربایش اکثریت ایمانداران در پایان مصیبت عظیم - متى ۲۴: ۴۰-۴۱؛ لوقا ۲۱: ۳۶؛ مکاشفه ۳: ۱۰؛ ۱ تسالونیکیان ۴: ۱۵-۱۷؛ مکاشفه ۱۲: ۵؛ ۱۴: ۱.

پ. در لاویان ۲۳: ۱۰ نمادی از ربایش را می بینیم - نماد رسیدن محصول در مزرعه - متى ۱۳: ۲۴؛ مکاشفه ۱۴: ۱۴-۱۶:

۱. درو کردن محصول خدا، آنچه ما آن را ربایش می خوانیم است؛ این درو کردن نشان می دهد که ایمانداران، از زمین برداشته خواهند شد - متى ۱۳: ۳۰، ۳۹ ب.

۲. بخشی از محصول - نوبرها - زودتر می رسد و زودتر درو می شود؛ بقیه محصول - برداشت - دیرتر می رسد و دیرتر درو می شود.

۳. طبق مکاشفه ۱۴، دو نوع ربایش وجود دارد - ربایش نوبرها و ربایش برداشت - آ. ۴ ب، ۱۴-۱۶.

ت. نوبرها به عنوان مسرت طراوت بخش برای خدا، به خانه خدا در صهیون ر بوده می شوند. این برای رضایت خداست - خروج ۲۳: ۱۹؛ لاویان ۲۳: ۱۰؛ ر. ک. یوحنا ۲۰: ۱۷ آ.

ث. نوبرها دارای نام بره و نام پدرش هستند که بر پیشانی آنها نوشته شده است؛ این تعیین یک بودن آنها با بره و با پدر و تعلق شان به آنهاست - مکاشفه ۱۴: ۱ ب.

ج. نوبرها، اولین هستند که در میان محصول خدا [از همه زودتر] به بلوغ می رسند - عبرانیان ۵: ۱۴-۶: ۱؛ ۱ قرنتیان ۲: ۶؛ افسسیان ۴: ۱۳؛ فیلیپیان ۳: ۱۵.

۱. دگرگون شدن، تغییر یافتن در حیات طبیعی ماست؛ بالغ شدن، پر شدن از حیات الهی است که ما را تغییر می دهد - رومیان ۱۲: ۲؛ افسسیان ۳: ۱۹ ب.

۲. برای ابراز خدا، نیاز به بلوغ است؛ تنها یک حیات بالغ می تواند صورت خدا را به خود بگیرد و سلطه او را به تمرین گذارد - پیدایش ۱: ۲۶؛ رومیان ۵: ۱۰، ۱۷، ۲۱.

۲. برای اینکه ما بره را دنبال کنیم و به بلوغ برسیم تا نوبرها شویم، باید توسط ایمان با خدا راه برویم تا از مرگ بگریزیم و شهادت خشنودی خدا را به دست آوریم:

آ. راه فرار از مرگ و به دست آوردن شهادت خشنودی خدا، راه رفتن با خداست - پیدایش ۵: ۲۲-۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶:

۱. راه رفتن با خدا، نادیده نگرفتن خدا و گستاخ [وقیح] نبودن است، [یعنی] کارها را طبق نظر و میل خودمان، طبق جریان این عصر نکنیم، و هیچ کاری را بدون خدا انجام ندهیم - ر.ک. مزامیر ۱: ۱۹-۲؛ یوشع ۹: ۱۴؛ لوقا ۲۴: ۱۵.
۲. راه رفتن با خدا، برگرفتن او به عنوان مرکز و همه چیز ما، زیستن و انجام کارها بر طبق خدا و با خدا، طبق مکشفه و رهبری او، و انجام همه کارها با اوست - رومیان ۸: ۴، ۱۳-۱۴؛ غلاطیان ۲: ۲؛ ۲ قرنطیان ۵: ۱۴-۱۵.
۳. راه رفتن با خدا به این معناست که ما نه توسط آنچه هستیم یا می‌توانیم انجام دهیم، بلکه توسط حیات نامیرا، که خود مسیح است، زندگی می‌کنیم - آ.آ. ۴، ۹.
۴. راه رفتن با خدا، داشتن مشارکت از روی عادت با خدا، در تماس مداوم با خداوند بودن، و تحت تزریق مداوم او بودن است - ۱ یوحنا ۱: ۳؛ فیلیپیان ۴: ۶؛ ۲ قرنطیان ۳: ۱۶، ۱۸.
۵. راه رفتن با خدا، تمرین مداوم روح خود برای مسرت بردن از تثلیث متبارک است - یهودا ۱۴، ۱۹-۲۱.
۶. راه رفتن با خدا به معنای انکار خود و هرآنچه از خود ما است می باشد تا بتوانیم با او یک باشیم. این بدان معناست که ما خود را به او سپرده، تسلیم او می شویم و می گذاریم که او رهبری کند - متی ۱۶: ۲۴-۲۵؛ ۲ قرنطیان ۲: ۱۳-۱۴.
- ب. راه رفتن با خدا، راه رفتن توسط ایمان است - ۵: ۷؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶:
 ۱. ایمان یعنی اینکه ما باور داریم که خدا هست - آ.آ. ۱-۲، ۶؛ ۲ قرنطیان ۴: ۱۳، ۱۸:
 - (آ) بدون ایمان، خشنود کردن خدا، خوشحال ساختن او، غیرممکن است - عبرانیان ۱۱: ۶.
 - (ب) باور به اینکه خدا هست، باور به این است که او برای ما همه چیز است و ما هیچ نیستیم - یوحنا ۸: ۵۸؛ جامعه ۱: ۲.
 - (پ) باور به اینکه خدا هست، بر این دلالت دارد که ما نیستیم؛ فقط او باید در همه چیز آن منحصر به فرد باشد، و ما باید در همه چیز هیچ باشیم - پیدایش ۵: ۲۴؛ عبرانیان ۱۱: ۵.
 - (ت) باور به اینکه خدا هست، انکار خودمان است؛ در کل عالم، او هست، و ما همه هیچ هستیم - لوقا ۹: ۲۳.
 - (ث) من نباید چیزی باشم؛ من نباید وجود داشته باشم؛ فقط او باید وجود داشته باشد - دیگر نه من، بلکه مسیح هست - غلاطیان ۲: ۲۰.
 - (ج) هنگام ایمان آوردن سولس تارسوسی، خداوند به او گفت: «من... عیسی هستم» - اعمال ۹: ۵:
 - (۱) خداوند می‌گفت: «من آن هستم عظیم هستم؛ من آن هستم که هست؛ تو باید باور کنی که من هستم و تو نیستی.»
 - (۲) عاقبت، سولس تمام شد، و پولس آمد - ۱۳: ۹.
 - (چ) این، ایمان است - «اوه، شادی چیزی نداشتن و چیزی نبودن، چیزی ندیدن جز مسیح زنده در جلال، و مراقب چیزی جز منافع او در اینجا نبودن» - ج. ن. داری.
۲. ایمان به این معناست که ما باور داریم که خدا پاداش دهنده کسانی است که با پشتکار جویای او هستند - عبرانیان ۱۱: ۶؛ پیدایش ۱۵: ۱؛ فیلیپیان ۳: ۸، ۱۴:
 - (آ) پاداش خنوخ، بالاترین درجه حیات بود - گریختن از مرگ - عبرانیان ۱۱: ۵؛ ۲ قرنطیان ۴: ۵؛ رومیان ۸: ۶، ۱۰-۱۱؛ ۵: ۱۷.
 - (ب) خداوند، یک پاداش‌دهنده است، و ما باید جویندگان او باشیم - مزامیر ۲۷: ۴، ۸؛ ۴۲: ۱-۲؛ ۴۳: ۴؛ ۷۳: ۲۵؛ ۱۱۹: ۲، ۱۰.
- پ. خنوخ، به عنوان اولین شخصی که ربوده شد، نماینده همه غلبه کنندگانی است که در زمان زندگیشان ربوده خواهند شد - متی ۲۴: ۳۷-۵۱؛ مکشفه ۱۴: ۱؛ لوقا ۲۱: ۳۴-۳۶:

۱. ربوده شدن ما بستگی به بالغ شدن ما در حیات الهی توسط راه رفتن ما با خدا دارد - عبرانیان ۶: ۱۱.آ.

۲. خنوخ به مدت سه قرن، روز و شب مدام با خدا به سوی بالا راه می‌رفت، و هر روز به خدا نزدیک‌تر می‌شد و با خدا یکی‌تر می‌شد تا اینکه «نایاب شد، زیرا خدا او را برگرفت» - پیدایش ۵: ۲۴؛ ر.ک. غزل غزلها ۸: ۵.آ.

۳. برای اینکه ما بره را دنبال کنیم و به بلوغ برسیم تا آن نوبرها شویم، باید در خدمت به مأموریت خداوند برای دادن خدا به عنوان غذا به اعضای خانواده‌اش امین باشیم تا بتوانیم مسیح را به عنوان پاداش خود در پادشاهی آینده به دست آوریم - متی ۲۴: ۴۵-۵۱:

آ. خدا یک اهل خانه و یک اداره امور اهل خانه، یک اقتصاد، دارد تا خود را به عنوان غذا به اعضای خانواده‌اش برای ابرازش توزیع کند - ۱ تیموتائوس ۱: ۴؛ ۳: ۱۵؛ افسسیان ۲: ۱۹.

ب. خدا بردگان امین و دانا را بر اهل خانه خود به عنوان اداره کنندگان اهل خانه، مباشران، و کانال‌های [مجراهای] تأمین گماشته است تا در زمان مناسب به مردمش غذا دهند - متی ۲۴: ۴۵؛ ۱ قرن‌تیا ۹: ۱۷؛ افسسیان ۳: ۲؛ ۱ قرن‌تیا ۴: ۱؛ ۱ پطرس ۴: ۱۰؛ فیلیپیان ۱: ۲۵.

پ. «ایشان را...خوراک دهد» به بخش کردن کلام خدا و مسیح به عنوان منشأ حیات برای ایمانداران در کلیسا اشاره دارد؛ مسیح به عنوان روح حیات بخش، غذای ماست که در کلام حیات تجسم یافته و درک می‌شود - یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳، ۶۸؛ اعمال ۵: ۲۰:

۱. برای اینکه از خداوند به عنوان غذای روحانی خود مسرت ببریم تا بتوانیم دیگران را تغذیه کنیم، باید در مورد کلام او دعا کنیم و در آن تأمل نماییم و با در نظر گرفتن دقیق، آن را بچشیم و از آن مسرت ببریم - افسسیان ۶: ۱۷-۱۸؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۵؛ حزقیال ۳: ۱-۴.

۲. ما باید خود را به دعا و خدمتگزاری کلام اختصاص دهیم - اعمال ۶: ۴؛ ۲ قرن‌تیا ۳: ۶، ۸؛ یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ ر.ک. عبرانیان ۷: ۲۵؛ ۸: ۲.

ت. اینکه در دل خود بگوییم که اربابمان تأخیر می‌کند، به معنای دوست داشتن عصر شریر کنونی و دوست نداشتن ظهور خداوند است - متی ۲۴: ۴۸؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۸، ۱۰؛ ر.ک. اعمال ۲۶: ۱۶:

۱. ما باید از طمع برحذر باشیم، و برای خود گنج ذخیره کنیم، بلکه نسبت به خدا غنی باشیم - لوقا ۱۲: ۱۵-۲۰؛ ۲ قرن‌تیا ۶: ۱۰؛ افسسیان ۳: ۸.

۲. «زن لوط را به یاد آورید» هشداری جدی به ایمانداران دنیا دوست است - لوقا ۱۷: ۳۱-۳۲؛ ر.ک. رومیان ۱: ۲۱، ۲۵.

۳. ما باید بیدار بوده و دعا [استدعا] کنیم که روز آمدن خداوند ناگهان مثل یک دام بر ما نیاید - لوقا ۲۱: ۳۴-۳۶؛ ر.ک. متی ۲: ۳.

ث. کتک زدن دیگر بردگان، بدرفتاری با دیگر ایمانداران است - ۲۴: ۴۹؛ ۱۸: ۳-۷؛ اعمال ۹: ۴:

۱. ما نباید دیگر ایمانداران را داوری و محکوم کنیم، بلکه باید با آنها مهربان، دلسوز و بخشنده باشیم، همانطور که خدا در مسیح ما را بخشید - لوقا ۶: ۳۷؛ افسسیان ۴: ۳۱-۳۲.

۲. ما نباید به برادران خود ناسزا بگوییم یا از آنها انتقاد کنیم، بلکه آنها را از خود بهتر بدانیم - ۱ قرن‌تیا ۶: ۱۰؛ فیلیپیان ۲: ۲-۳، ۲۹:

(آ) ناسزا گفتن به یک برادر، انتقاد یا تحقیر شدید او با زبانی توهین آمیز است - ر.ک. لوقا ۱۷: ۲.

(ب) کسانی که سخنان ناسزا را می‌پذیرند، همان مسئولیت کسانی را دارند که سخنان ناسزا می‌گویند؛ چنین سخنانی به بدن آسیب می‌رساند.

(پ) خدا هرگز به کسانی که طبیعتاً دوست دارند از دیگران انتقاد کنند، اقتدار نخواهد داد.

۳. ما نباید بر دیگر ایمانداران سروری کنیم، بلکه باید مانند برده به آنها خدمت کنیم تا آنها را با مسیح رستاقیز کرده به عنوان روح حیات بخش تغذیه کنیم - ۱ پطرس ۵: ۳؛ متی ۲۰: ۲۵-۲۸؛ ر.ک. اعداد ۱۷: ۸:

- (آ) اینکه کسی بر مقدسان سروری کند به این معناست که او با تصمیم‌گیری برای آنها یا با گفتن اینکه به کجا بروند، جایگزین خداوند در زندگی آنها می‌شود، و بدین ترتیب، به سروری و خداوندی مسیح توهین می‌کند.
- (ب) اگر به دیگران بگوییم کجا بروند بدون اینکه آنها را به دعا، جستجوی رهبری خداوند، و داشتن مشارکت مناسب در بدن تشویق کنیم، این، توهین بزرگی به خداوند است!
- ج. خوردن و آشامیدن با مستان، همراهی با مردم دنیوی است که از چیزهای دنیوی مست شده‌اند - متی ۲۴: ۴۹؛ ر.ک. افسسیان ۵: ۱۸:
۱. به دلیل طبیعت الهی و جایگاه مقدسشان، ایمانداران نباید با غیر ایمانداران در یوغ باشند. این باید در مورد همه روابط صمیمانه بین ایمانداران و غیر ایمانداران بکار رود، نه فقط در مورد ازدواج و کسب و کار - ۲ قرن‌تیا ۶: ۱۴؛ ۱ قرن‌تیا ۱۵: ۳۳؛ ر.ک. امثال ۱۳: ۲۰.
۲. ما باید از شهوات جوانی بگریزیم و مسیح شامل تمام را با کسانی که خداوند را از قلب خالص می‌خوانند، دنبال کنیم - ۲ تیموتائوس ۲: ۲۲.